

تحلیل داده ها در روش تحقیق نظریه پایه

فروغ رفیعی^۱، دکتر سیده فاطمه اسکوئی^۲، دکتر منصوره یادآور نیکروش^۲

چکیده

نظریه پایه (Grounded theory) نوعی تحقیق در عرصه و رویکردی کیفی در تحقیق است. این روش تحقیق ریشه در مکتب تعامل گرایی نمادین (Symbolic Interactionism) داشته و به منظور کاوش فرآیندهای اجتماعی موجود در تعاملات انسانی به کار می رود. نظریه پایه توسط (Strauss و Glaser، ۱۹۶۷) مطرح و به صورت اولین کتاب در این مورد منتشر شد. رویکرد نظریه پایه در بر گیرنده فنون و روش های نظام دار تحلیلی است که محقق را قادر به ایجاد نظریه ای می سازد که از داده ها شکل می گیرد. هدف نظریه پایه، اکتشاف متغیر و مفهوم اصلی حیطه مورد مطالعه است که همان مفهوم اساسی در ایجاد نظریه می باشد. در طول انجام مطالعه نظریه پایه، فرآیند گردآوری، کد گذاری و تحلیل داده ها به طور همزمان روی می دهد. کد گذاری در سه سطح صورت گرفته و اندیشه نگاری، فرضیه های پدیدار شده، الگوهای تحلیلی، افکار و انتزاعات را ایجاد می کند. اشباع داده ها پس از انجام کد گذاری های متعدد وقوع می یابد، و آن هنگامی است که هیچ طبقه بندی جدیدی از فرآیند مذکور پدیدار نشود. در این هنگام، محقق می تواند شروع به تعیین روابط بین طبقات نماید. یک گزارش تحقیقی خوب نظریه را به طریقی نمودار می کند که امکان درک معنا و کاربرد مفاهیم آن را به دیگران می دهد. محقق پس از انجام این مطالعه نقشی در افزایش دانش ایفا می کند.

واژه های کلیدی: نظریه پایه (Grounded theory)، مقایسه مداوم، کد گذاری باز، کد گذاری محوری، کد گذاری انتخابی، اندیشه نگاری، نمونه گیری نظری

این مقاله به عنوان بخشی از رساله دکتری دانشجو تهیه و تنظیم گردیده است.

^۱ عضو هیئت علمی دانشکده پرستاری و مامائی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران (* مؤلف مسئول)

^۲ استادیار دانشکده پرستاری و مامائی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران

مقدمه

علم پرستاری در حال گسترش است و این گستردگی، رویکردهای مختلفی را پیش روی دانش پژوهان این رشته قرار می‌دهد. یکی از تازه‌ترین این رویکردها در پرستاری ایران، تحقیقات کیفی است. این نوع پژوهش‌ها، پنجره‌ای وسیع را به روی رشته گشوده و تازگی آن، چالش‌هایی را برای دانشجویان این رشته، به خصوص دانشجویان دوره دکتری به وجود آورده است. تحقیقات کیفی با روش‌های مختلفی انجام می‌گیرد و کامل‌ترین این روش‌ها، نظریه پایه (Grounded theory) است.

نظریه پایه یکی از روش‌های تحقیق کیفی است که در آن، پدیده‌ها در عرصه‌های طبیعی مانند بیمارستان‌ها، درمانگاه‌ها یا مراکز مشاوره پرستاری کاوش و توصیف می‌شوند. هدف این مطالعات بررسی عمیق اعمال، رفتارها، باورها و نگرش‌های افراد یا گروه‌ها براساس رویداد آنها در زندگی واقعی است. نظریه پایه، استنتاجی استقرایی از پدیده مورد مطالعه ایجاد می‌کند. این به آن معنی است که نظریه کشف می‌شود، توسعه پیدا می‌کند و از طریق جمع‌آوری و تحلیل نظام‌دار داده‌ها به طور پیشرونده‌ای تأیید و مستند می‌گردد، به طوری که جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها و نظریه رابطه‌ای دو سویه با یکدیگر دارند. پژوهشگر با یک نظریه شروع نمی‌کند بلکه آغازگر راه‌وی حیطه‌ای از مطالعه و آنچه از این حیطه پدیدار می‌گردد می‌باشد. به طور کلی رویکرد نظریه پایه از طریق تحلیل نظام‌دار، محقق را قادر به ایجاد یا توسعه نظریه‌ای براساس و مبتنی بر داده‌ها (Substantive theory) می‌سازد.

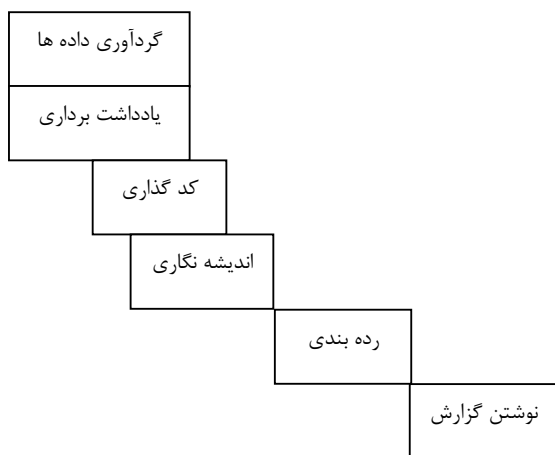
از آنجا که درک تحلیل نظریه پایه و انجام صحیح آن موضوع اصلی برای استخراج نظریه می‌باشد، در این مقاله سعی بر آن است تا مراحل تحلیل به شکلی ساده و قابل درک بیان شود.

نظریه پایه

نظریه پایه توسط جامعه‌شناسانی چون (Strauss و Glaser، ۱۹۶۷) مطرح شد (Streubert و Carpenter، ۱۹۹۹) این دو جامعه‌شناس، روش مقایسه مداوم در تحلیل داده‌های نظریه پایه را خصوصیت اصلی آن می‌دانند، به این معنی که جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها، همزمان وقوع می‌یابد و هر قطعه

از داده‌ها با هر یک از قطعات دیگر داده‌ها مقایسه می‌شود. بنابراین، نظریه استخراج شده از نظر مفاهیم، متراکم است (Cutcliffe، ۲۰۰۰).

نظریه پایه با یک موقعیت تحقیقی شروع می‌شود و محقق در صدد فهم رویدادها و چگونگی اجرای نقش بازیگران در آن موقعیت است. محقق در طی انجام این مطالعه، مراحل مطابق شکل (۱) را می‌گذراند که اکثراً دارای همپوشی هستند.



شکل - ۱

در واقع، گردآوری داده‌ها، یادداشت برداری و ضبط صدا، کدگذاری و اندیشه نگاری (Memoing) از آغاز به طور همزمان انجام می‌شود. رده بندی داده‌ها (Sorting) پس از اشباع تمام طبقات صورت می‌گیرد و در نهایت، ارائه گزارش یافته‌هاست (Haig، ۱۹۹۶)، که به ترتیب به توضیح آنها پرداخته می‌شود. هر چند باید توجه داشت همانگونه که نظریه پدیدار شونده (Emergent) است و از داده‌ها کشف می‌شود، براساس نظر Glaser، روش‌ها نیز می‌توانند پدیدار شونده باشند (Dick، ۲۰۰۲).

گردآوری و تولید داده‌ها: برای گردآوری داده‌ها باید چشم‌های بازی داشت، زیرا چیزهای زیادی هست که فهم آنها تنها از طریق مشاهده میسر است و برخی از این موارد حتی در لحظه ورود به موقعیت آشکار می‌شود. مصاحبه یکی از عمده‌ترین منابع اطلاعاتی است که نظریه از آن به وجود می‌آید، اما روش‌های دیگر جمع‌آوری داده‌ها نیز کاربرد دارند.

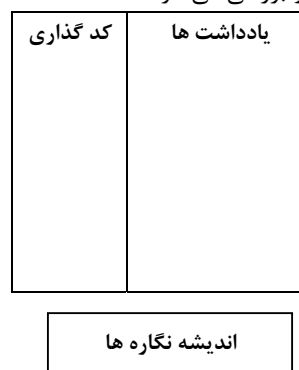
کد گذاری باز، به بخشی از تحلیل داده‌ها اطلاق می‌شود که در آن، برچسب زدن و طبقه‌بندی پدیده‌های مشهود در داده‌ها صورت می‌گیرد (Pandit, ۱۹۹۶). از نظر Chesler (۱۹۸۷) گام اول تحلیل، کدگذاری خط به خط گفته‌های شرکت‌کنندگان است (Eaves, ۲۰۰۱). برچسب زدن و طبقه‌بندی داده‌ها، مفاهیمی را تولید می‌کند که اساس ساختن نظریه پایه به شمار می‌رود (Pandit, ۱۹۹۶). به عبارت دیگر، از طریق کدگذاری باز، رویدادها و وقایع برچسب زده شده و از طریق مقایسه مداوم گروه‌هایی ایجاد می‌شود که منجر به تشکیل طبقات و اجزاء مربوط به آنها می‌گردد (Babehuk, ۱۹۹۷). بنابراین فرآورده کدگذاری باز، مفاهیم و طبقات هستند.

کد گذاری محوری، با ایجاد اتصالاتی بین طبقه‌ها و طبقات فرعی و اجزای آنها، داده‌ها دوباره به صورت‌هایی تازه در کنار هم قرار می‌گیرند. بنابراین کدگذاری محوری به فرآیند ایجاد طبقات عمده و طبقات فرعی آنها اطلاق می‌شود (Pandit, ۱۹۹۶). استفاده از واژه محوری برای توصیف فرآیند مرتبط کردن طبقات به طبقات فرعی شان، به آن سبب است که برچسب گذاری حول یک طبقه روی داده و طبقات با توجه به اجزاء و ابعاد مربوط به آنها به هم مرتبط می‌شوند. فرآیند کدگذاری محوری، متوجه جورکردن "وضعیت‌ها، بافت‌ها، راهبردهای کنشی / تعاملی و نتایج" است (Strauss و Corbin, ۱۹۹۸). این کار به آشکار شدن وضعیت‌های علت و معلولی پدیده‌های مشاهده شده در تحلیل داده‌ها، تعیین بافت و ابعاد پدیده‌ها و طبقه‌بندی‌های یافت شده در کدگذاری باز و پیگیری جمع‌آوری داده‌ها کمک می‌کند. در این مرحله، از طریق "اندیشه نگاری کدگذاری محوری" (Axial coding memo)، پدیده‌ها، طبقه‌بندی‌ها، ابعاد و وضعیت‌های مخدوش‌کننده ثبت شده و داده‌ها و کدها توصیف و گزارش می‌شوند (Trochim, ۲۰۰۲).

کد گذاری انتخابی، فرآیند تلفیق و تصفیه نظریه است. در این حال، طبقات حول یک مفهوم مرکزی سازماندهی می‌شوند. تلفیق در طول زمان روی می‌دهد به طوری که با اولین گام‌های تحلیل آغاز شده و اغلب تا هنگام نوشتن گزارش نهایی ادامه می‌یابد. با یافتن ایده مرکزی، طبقات عمده از طریق بیانیه‌های ارتباطی به آن مرتبط می‌شوند. برای تسهیل

یادداشت برداری: هر چند Glaser ضبط صدا را پیشنهاد نمی‌کند (۲۰۰۲) لیکن برای رساله نویسی بهتر است مصاحبه‌ها را ضبط کرده و یادداشت‌های خود را با آنچه ضبط شده است مقایسه نمود. یادداشت‌هایی که در طول مصاحبه برداشته می‌شود، سرانجام به درون مایه‌ها یا مضامین (Themes) تبدیل می‌گردد.

کد گذاری: برای کدگذاری، یادداشت‌های مربوط به مصاحبه در یک سمت صفحه نوشته می‌شود، و حاشیه‌ای حدود ۶ سانتیمتر در سمت دیگر صفحه جهت کدگذاری در نظر گرفته می‌شود. داده‌های مهم مربوط به مشخصات شرکت‌کنندگان (Bio-data) در بالا و راس یادداشت‌ها ثبت می‌گردد (که می‌تواند بعداً به تعیین جزئیات طبقات کمک کند). چند قطعه کاغذ دیگر و ترجیحاً کارت‌های ۷/۵ در ۱۲/۵ سانتیمتری نیز برای اندیشه نگاری که بسیار با اهمیت است در نظر گرفته می‌شود (شکل ۲). سپس برای کدگذاری، هر بار یک جمله در نظر گرفته شده و بررسی می‌گردد (Dick, ۲۰۰۲).

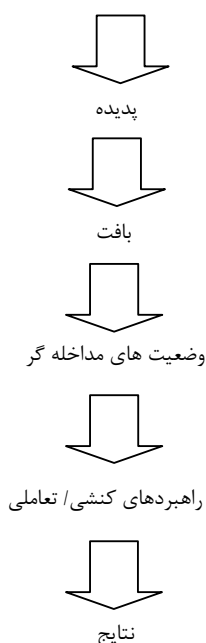


شکل - ۲

از نظر Charmaz (۱۹۸۳) کدها علامت‌ها یا عبارات‌های کوتاهی هستند که برای نشانه‌گذاری یا برچسب زدن، جداکردن، گردآوردن و سازمان دادن داده‌ها به کار می‌روند (Eaves, ۲۰۰۱). به طور کلی سه نوع کدگذاری وجود دارد: کدگذاری باز، محوری و انتخابی. این طبقه‌بندی‌ها از نظر تحلیلی مطرح شده‌اند و الزامی نیست که محقق حتماً از کدگذاری باز شروع نموده و از مسیر کدگذاری محوری عبور کند تا به کدگذاری انتخابی برسد (Knapp و Calloway, ۱۹۹۵).

پدیدارگشته کد گذاری می شود. به عنوان مثال، مجموعه ای از سه یا چهار طبقه، ممکن است تنها با یک مفهوم یا یک جزء از مفهوم دیگر تناسب و همخوانی داشته باشد. مفاهیم جدید پس از اندیشه نگاری و مقایسه با مفاهیمی که به تازگی پدیدار شده اند، ممکن است تنها بعنوان بخشی از این مفاهیم تلقی شده و حذف شوند. در مقایسه مداوم، ابتدا مقایسه یک گروه داده با گروه دیگری از داده ها، و سپس مقایسه گروه داده ها با نظریه صورت می گیرد (Dick, 2002, DC Forum)؛ ۲۰۰۲).

وضعیت های علت و معلولی



شکل - ۳

در فرآیند مقایسه مداوم، نظریه پدیدار شده با ادبیات نیز مقایسه می شود. ادبیات همگون و یا حتی ناهمگون با داده ها، به وسعت نظریه کمک می کند.

در طول مقایسه مداوم، یک طبقه (و گاهی بیشتر) مرتباً تکرار شده و با بسیاری از طبقات پدیدار شونده دیگر ارتباط می یابد. به این طبقه، **طبقه اصلی** (Core category) یا مفهوم اصلی اطلاق می شود (Dick, 2002). اولین گام در تلفیق نیز، تصمیم گیری در مورد طبقه اصلی است. این طبقه، درون مایه یا مضمون اصلی تحقیق را باز نمایی می کند. طبقه اصلی پدیدار شده، طبقه ای است انتزاعی و مجرد که به گویا ترین

فرآیند تلفیق، از روش های گوناگونی می توان استفاده کرد. از جمله این روش ها، می توان گفتن یا نوشتن مسیر داستانی، استفاده از نمودارها، رده بندی و مرور اندیشه نگاره ها (Memos) و نرم افزارهای رایانه ای را نام برد.

با مشخص شدن الگوی نظری (Theoretical Scheme)، تحلیل گر به تصفیه و پالایش و حذف موارد اضافی و تکمیل طبقاتی که به خوبی توسعه نیافته اند می پردازد. طبقات توسعه نیافته، از طریق نمونه گیری نظری اشباع می شوند. در نهایت، نظریه از طریق مقایسه آن با داده های خام، و یا ارائه به شرکت کنندگان و دریافت بازخورد از آنان اعتبار بخشی می شود (Corbin و Strauss, 1998).

فرآیند اساسی و خصوصیت اصلی نظریه پایه، **روش مقایسه مداوم** است. مقایسه مداوم در طول تمام مراحل کد گذاری و تلفیق نظریه ادامه می یابد. در مقایسه مداوم، داده ها ابتدا به وسیله پرسش ساده سئوالاتی مثل چه، کجا، چگونه، چه وقت، چه مقدار و غیره شکسته شده و با هم مقایسه می شوند و رویدادهای مشابه با هم گروه بندی شده و برچسب مفهومی یکسانی می گیرند (Pandit, 1996). به عبارت دیگر، برای اولین مصاحبه باید صرفاً از خود پرسید: این مطالعه در باره چیست؟ اینجا چه دارد روی می دهد؟ این چه موقعیتی است؟ این رویداد چه معنایی دارد؟ این شخص با وضعیت چگونه برخورد می کند؟ چگونه می توان آن را کد گذاری کرد؟ این کدها چگونه به یکدیگر و به سایر رویدادها مربوط می شوند؟ چه طبقه بندی هایی توسط آن ها مطرح می شود؟ (Hudson و Carvalho, 1998).

همه مصاحبه ها با سئوال های باز شروع می شود. در مصاحبه های بعدی، سئوالات موشکافی کننده بیشتری وجود دارد و اکثر این موشکافی ها اختصاصی است. به هر حال پژوهشگر با وجود نظرات موافق، به دنبال استثناها بوده و در مورد نظرات مخالف، باید جویای توضیحات باشد. این امر باعث درک بیشتر و توسعه نظریه می شود (Sorrrell و Redmond, 1995). شکل (۳) این فرآیند را توصیف می کند.

بنابر این مصاحبه دوم با در نظر داشتن اولین مصاحبه در ذهن کد گذاری می شود. مصاحبه های بعدی (یا داده های مربوط به سایر منابع) با توجه به نظریه ای که در ذهن محقق

در این شکل، طبقه اصلی (یعنی مقصود، رویداد یا اتفاق اصلی) به صورت "پدیده" توصیف می‌شود. سایر طبقات براساس این الگو، به طبقه اصلی مرتبط می‌شوند. "وضعیت‌های علت و معلولی" رویدادهایی هستند که منجر به ایجاد و توسعه پدیده می‌شوند. "بافت" به گروه خاصی از وضعیت‌ها اطلاق می‌شود و "وضعیت‌های مداخله‌گر" گسترده‌ترین وضعیت‌هایی هستند که پدیده در آنها بستر گزیده یا پنهان می‌باشد. "راهنمای کنشی/تعاملی" کنش‌ها و پاسخ‌هایی هستند که در نتیجه پدیده روی می‌دهند و بالاخره، پی‌آمدهای عمدی و سهوی این کنش‌ها و پاسخ‌ها، "نتایج" را ایجاد می‌کند (Pandit, 1996).

پس از تعیین طبقه اصلی، کدگذاری هر جمله غیر مرتبط متوقف خواهد شد. محقق در می‌یابد که در بیشتر مواقع، کدگذاری با پیشرفت مطالعه اثر بخش‌تر می‌شود. در این هنگام پژوهشگر براساس طبقه اصلی، سایر طبقات متصل و جزئیات، کدگذاری می‌کند.

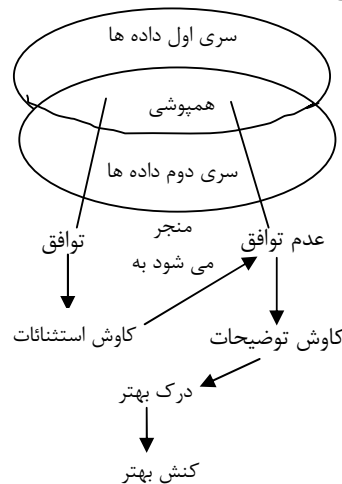
هرگونه روابط تعیین شده در بین طبقات، در اندیشه نگاره‌ها ثبت می‌شود. این کار ادامه می‌یابد و محقق در صورت لزوم به **نمونه‌های خود می‌افزاید** تا زمانی که به **اشباع** دست یابد (Dick, 2002). افزودن نمونه‌ها با استفاده از **نمونه‌گیری نظری** (Theoretical sampling) میسر است. نمونه‌گیری نوعی نمونه‌گیری بر اساس مفاهیم پدیدار شده است که به هدف کاوش دامنه تغییرات ابعاد یا وضعیت‌های گوناگون اجزاء مفاهیم صورت می‌گیرد (Strauss و Corbin, 1998). این نمونه‌گیری به محقق امکان می‌دهد تا با روش‌های مفید و افزایش تنوع به نمونه خود بیفزاید. از این طریق، نظریه به وسیله توصیف و شرح جزئیات طبقات، غنی‌تر شده و ارتباط بین طبقات میسر می‌شود. **اشباع** یک طبقه زمانی است که هیچ اطلاعات جدیدی در طول کدگذاری پدیدار نشود، یعنی هنگامی که جزئیات، ابعاد، وضعیت‌ها، کنش‌ها و تعاملات یا نتایج دیگری از داده‌ها نمایان نگردد. در این صورت، کدگذاری طبقه متوقف می‌شود (Wimpeny و Gass, 2000)، (Coyne, 1997).

اندیشه نگاری: اندیشه نگاره‌ها، گزارش‌های نوشتاری با انواع و شکل‌های متفاوت می‌باشند (Strauss و Corbin, 1998). اندیشه نگاری در طول گردآوری داده‌ها،

وجه، تمام فرآورده‌های تحلیل را به صورت فشرده در چند کلمه بیان می‌کند و بیانگر آن است که "به طور کلی تحقیق در مورد چیست؟" (Strauss و Corbin, 1998). طبقه یا متغیر اصلی دارای شش مشخصه است که عبارتند از: (۱) به دفعات در داده‌ها ظاهر می‌شود، (۲) داده‌های مختلف را به هم ارتباط می‌دهد، (۳) اکثر تغییرات مربوط به داده‌ها را توضیح می‌دهد، (۴) اشاراتی روشن برای ایجاد نظریه‌ای عمومی‌تر یا رسمی‌تر را در بر دارد، (۵) با مشخص شدن تدریجی جزئیاتش، نظریه را فراتر می‌برد و (۶) نهایت تغییر و تحلیل را امکان‌پذیر می‌سازد (Streubert و Carpenter, 1999).

Pandit معتقد است که ابتدا یک مسیر داستانی پدیدار می‌شود که حکایتی توصیفی در باره پدیده اصلی مطالعه است و تحلیل مسیر داستانی منجر به ایجاد طبقه اصلی می‌گردد. وی با اشاره به اعتقاد Strauss & Corbin (1990) متذکر می‌شود که طبقه اصلی باید همانند خورشید ایستاده و ثابت، و دارای روابط نظام‌مند مرتب و هماهنگ با سیاراتش باشد (1996).

طبقات فرعی براساس الگوی پارادایم (Paradigm Model) که هدف اصلی آن قادر ساختن محقق به تفکر نظام‌مند در باره داده‌ها و مرتبط کردن آنها به شیوه‌هایی پیچیده است، به طبقه اصلی مرتبط می‌شوند. مقصود اصلی، طرح روابط و جستجوی داده‌ها برای اعتبار بخشی است، فرآیندی که شامل پرسش‌سئوالات، ایجاد فرضیه‌ها و انجام مقایسه‌ها می‌باشد. مشخصات اصلی این الگو در شکل (۴) نمودار شده است.



شکل - ۴

بر اساس طبقه و اجزاء مشابه گروه بندی نمود تا رابطه آنها مشخص شود. به این ترتیب، ساختار گزارش نهایی و یا رساله روشن می‌شود. سپس کارت‌ها به ترتیبی جمع می‌شوند که توصیف ساختار را ممکن سازند. این کار، اساس نوشتن را فراهم نموده و روند خلاصه نویسی را نشان می‌دهد. به این منظور می‌توان از نمودارها نیز استفاده کرد.

نوشتن گزارش: کد گذاری، اندیشه نگاری و رده بندی، کار نوشتن را آسان می‌کند. ساختار رده بندی، همان ساختار گزارش است. این کار با تایپ کارت‌ها به ترتیب و تلفیق آنها به صورت یک بحث پیوسته و متوالی صورت می‌گیرد. شکی نیست که پژوهشگر در انتهای مطالعه خود، در افزایش دانش نقشی ایفا می‌کند.

همان گونه که مطرح شد، نظریه پدیدار شونده است و سریع تر از تصور محقق نمایان می‌شود و پژوهشگر از موقعیت خود احساس رضایت خواهد کرد (Dick, 2002). نظریه ای که پایه در داده‌ها داشته باشد توسط شرکت کنندگان نیز قابل تشخیص است (Corbin و Strauss, 1998).

نتیجه گیری

نظریه پایه، استنتاجی استقرایی از مطالعه پدیده مورد نظر ایجاد می‌کند، این به آن معنی است که نظریه کشف می‌شود، توسعه پیدا می‌کند و از طریق جمع آوری و تحلیل نظام دار داده‌های مربوط به پدیده به طور پیشرونده ای تایید و مستند می‌شود. پژوهشگر در تحلیل داده‌های نظریه پایه، پس از جمع آوری داده‌ها آنها را مفهوم سازی و کد گذاری می‌کند. کد گذاری شامل انواع باز، محوری و انتخابی است که لزوماً خطی نمی‌باشد. در حین تحلیل داده‌ها و مقایسه مداوم، طبقات فشرده تر می‌شود و خصوصیات و ابعاد بیشتری در آنها پدیدار می‌گردد به طوری که قدرت توضیح دهندگی کافی به نظریه می‌بخشد. محقق در حین تحلیل از اندیشه نگاره‌ها و نمودارها بهره می‌برد تا نظریه را به نحوی منسجم از داده‌ها ایجاد نماید. رده بندی اندیشه نگاره‌ها به روشن شدن خط داستانی و نوشتن گزارش نهایی کمک می‌کند. نظریه ای که پایه در داده‌ها داشته باشد از نظر شرکت کنندگان قابل تایید است. نظریه پایه در نهایت فرآیندها و ساختارهای حاکم بر حیطه مورد مطالعه را آشکار می‌سازد.

یادداشت برداری و کد گذاری صورت می‌پذیرد. اندیشه نگاره، یادداشت محقق درباره فرضیه‌های مربوط به یک طبقه یا اجزاء آن و به ویژه، رابطه بین طبقات است. از نظر Glaser، اندیشه نگاری دارای اهمیت زیادی است و این کار باید به محض خطوط عقیده ای به مغز صورت پذیرد (Hueser, 1997).

از انواع اندیشه نگاره‌ها می‌توان به یادداشت‌های رمزی، یادداشت‌های نظری و یادداشت‌های عملکردی اشاره کرد. **یادداشت رمزی** اندیشه نگاره ای است که حاوی فرآورده‌های کدگذاری باز، محوری و انتخابی بوده و بر، برچسب‌های مفهومی تمرکز دارد. **یادداشت نظری** حساسیت بخشی و خلاصه سازی اندیشه نگاره‌های حاوی افکار و عقاید محقق در طول نمونه گیری نظری و سایر موضوعات است (Corbin و Strauss, 1998). Glaser اصولی را در مورد اندیشه نگاری نظری برمی‌شمارد که عبارتند از: (۱) اندیشه نگاره‌ها و داده‌ها را به صورت جداگانه نگهدارید، (۲) کد گذاری داده‌ها را برای اندیشه نگاری قطع کنید، (۳) با نوشتن در مورد یک کد شروع کنید، (۴) از تعدیل و تصحیح اندیشه نگاره‌ها هراس نداشته باشید، (۵) فهرست کدهای پدیدار شده را در دسترس داشته باشید، (۶) اندیشه نگاره‌ها را مقایسه کنید: کدها و اندیشه نگاره‌ها را فشرده کرده و یا ابعاد آنها را مشخص کنید، (۷) استدلال منطقی نکنید، (۸) با اندیشه نگاره‌ها بصورت باز برخورد کنید، (۹) اندیشه نگاره راجع به مفاهیم باشد و افراد را شامل نشود، (۱۰) هر بار یک عقیده را بنویسید، (۱۱) اشباع را نشان دهید و (۱۲) همواره قابل انعطاف باشید (۱۹۷۸). یادداشت عملکردی اندیشه نگاره ای است که حاوی راهنمایی‌ها، جهت دهی‌ها و یادآوری‌هایی در رابطه با نظریه در حال ظهور می‌باشد (Corbin و Strauss, 1998).

به طور خلاصه در روش نظریه پایه، فرض بر آن است که نظریه در داده‌ها پنهان است و پژوهشگر در صدد کشف آن می‌باشد. کد گذاری، برخی از اجزاء آن را قابل مشاهده می‌کند و اندیشه نگاری روابط بین طبقات را روشن می‌سازد (Wilson و Hutchinson, 1996).

رده بندی: هدف رده بندی، تصمیم گیری درباره سازمان دادن گزارش است. برای رده بندی می‌توان از یک میز بزرگ یا کف اتاق استفاده کرد. ابتدا باید کارت‌های اندیشه نگاری را

منابع

- Pandit, N.R. (1996). The creation of theory: a recent application of the grounded theory. *The Qualitative Report*. 2(4), PP:1-13. URL: [http://www.nova.edu/sss/QR/QR2-4/pandit.html] accessed: 2003-01-29.
- Sorrell, M., Redmond, G.M. (1995). Interviews in qualitative nursing research: differing approaches for ethnographic and phenomenological studies. *Journal of Advanced Nursing*. 21.PP:1117- 1122.
- Strauss, A., Corbin, J., (1998). *Basics of Qualitative Research, techniques and procedures for developing grounded theory*. 2nd ed, Thousand oaks: sage publication.
- Streubert, H. J., Carpenter, D.R. (1999). *Qualitative Research in Nursing, Advancing the Humanistic Imperative*. 2nd ed. Philadelphia: Lippincott.
- Trochim William, N.K. (2002). *Qualitative Approaches*. Research Methods Knowledge Base. PP:1-2. URL:[http://www.trochim.human.cornell.edu/kb/qual app.htm] accessed: 2003-01-20.
- Wilson, H., Hutchinson, S.A. (1996). Methodological mistakes in grounded theory. *Nursing Research*. 45(2), PP:122-124.
- Wimpeny, P., Gass J. (2000). Interviewing in phenomenology and grounded theory: is there a difference? *Journal of Advanced Nursing*. 31(6), PP:1485- 1492.
- Babehuk, W.A. (1997). Glaser or Strauss?: Grounded Theory and adult education Midwest Research – to – practice conference in adult, continuing and community education, Michigan state university, East Lansing, Michigan, October 15- 17, PP:1-6. URL: [http://www.anrecs.msu.edu/research/r2p.html] access: 2003-01-14.
- Calloway, L. J., Knapp, C.A. (1995). Using Grounded Theory to interpret interviews. Pace University, New York, PP:1-5. URL: [http://www.csis.pace.edu/~knapp/AIS95.htm] accessed:2003-01-19.
- Carvalho, M., da Coceicao., Hudson, J. (1998). Grand Theory and Grounded Theory, School of construction and property management, university of Sal ford, UK, PP:1-5. URL: [http://www.surveying.salford.ac.uk/buhu/bizfruit/1998 papers/carvalho/carvalho.htm] accessed: 2003-01-19.
- Coyne, I. T. (1997). Sampling in qualitative research: purposeful and theoretical sampling; merging or clear boundaries? *Journal of Advanced Nursing*. 26, PP:623-630.
- Cutcliffe, J.R. (2000). Methodological issues in grounded theory. *Journal of Advanced Nursing*. 31(6), PP:1476-1484.
- DC Forum. (2002). Drawbacks of GT- unstructural. Thread NO:85, PP:1-5. URL: [http://www.grounded theory.com/cgi-bin/dcforum/dcboard.cgi] Accessed: 2002-11-25.
- Dick, B. (2002). Grounded Theory: a Thumbnail sketch Resource papers in Action Research. PP:1-19. URL:[http://www.scu.edu.au/schools/gcm/ar/arp/ground ed.htm] accessed: 2002-01-19.
- Eaves, Y. D. (2001). A synthesis technique for grounded theory data analysis. *Journal of Advanced Nursing*. 35(5), PP:654- 663.
- Glaser, B.G. (1978). Theoretical memoing Rules: 1-2. In Glaser Barney G, *Theoretical Sensitivity*, sociology press, URL [http://www.gtm.rls.m.org/LOCA L-LINKS3.htm] accessed: 2003-01-20.
- Glaser, B.G. (2002). Conceptualization: on theory and theorizing using grounded theory. *International Journal of Qualitative Methods*. 1(2), Article 3 PP:1-16. URL: [http://www.ualberta.ca/~ijqum] accessed: 2002-09-12.
- Haig, B.D. (1996). Grounded Theory as scientific method. Philosophy of Education Society, Illinois. PP:1-8. URL:[http://www.ed.uiuc.edu/EPS/PES-yearbook/96-docs/haig.html] accessed: 2002-01-19.
- Hueser, N.G. (1999). Grounded Theory Research: Not for the Novice. Knowledge area Module IV: Research Methodology. 6, PP:1-11. URL: [http://www.nova.edu/sss/QR2-4/pandit.html] accessed: 2003-01-19.

GROUNDING THEORY DATA ANALYSIS

Rafiee, F, MS^{*1} Oskouie, S. F. Ph.D² Yadavar Nikravesh, M. Ph.D²

ABSTRACT

Grounded Theory is a qualitative research approach used to explore the social processes that present within human interactions. Glaser and Strauss (1967) developed the method and published the first text addressing method issues.

Grounded theory includes systematic techniques and procedures of analysis that enable the researcher to develop a substantive theory.

The discovery of a core variable is the goal of grounded theory. The core variable serves as the foundational concept for theory generation. During the conduction of a grounded theory study, the processes of data collection, coding and analysis occur simultaneously. The three levels of open, axial, and selective coding constitutes the coding procedures. Memoing preserves emerging hypotheses, analytical schemes, hunches and abstractions.

Saturation occurs after many rounds of coding, until no new categories emerge from the process. At this point, the researcher can begin determining the relationships between categories. A good report of research reflects the theory in such a way that allows an outsider to grasp its' meaning and apply its concepts. By doing grounded theory researcher makes a contribution to the body of knowledge.

Key Words: Grounded theory, Glaser, Strauss & Corbin, Constant comparison, Open coding, Axial coding, Selective coding, Memoing, Theoretical sampling.

¹ Senior Lecturer, School of Nursing and Midwifery, Iran University of Medical and Health Services, Tehran, Iran (*Corresponding Author).

² Assistant Professor, School of Nursing and Midwifery, Iran University of Medical and Health Services, Tehran, Iran.